

الگوی استناد به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم در صورت جلسات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی

رضا محمدی^۱/ علی غفرانی^۲

چکیده

این پژوهش در نظر دارد تا با استفاده از روش پژوهش ترکیبی، به الگوی «بسم الله الرحمن الرحيم» به عنوان یکی از عبارات قرآنی بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که اساساً می توان الگویی برای استناد به این عبارت در صورت جلسات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی متصور شد؟ در مرحله اول که از روش کمی استفاده شد، با روش آماری خی دو، تک نمونه ای در محیط نرم افزار SPSS25 به تحلیل داده های کمی پرداختیم. نتایج کمی بیانگر آن هستند که: از مجلس اول تا ششم تعداد سی و چهار مورد (۶/۹ درصد)، مجالس هفتم تا دوازدهم، هجده مورد (۳/۶ درصد)، مجالس سیزدهم تا هجدهم، سیصد و بیست و یک مورد (۶۴/۸ درصد) و مجالس نوزدهم تا بیست و چهارم به تعداد ۱۲۲ مورد (۲۴/۷ درصد)، عبارت قرآنی «بسم الله الرحمن الرحيم» به کار رفته است. در مرحله دوم به تبیین این داده ها با روش کیفی پرداختیم و به نتایج زیر دست یافتیم. بیشترین استناد به عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» در مجالس سیزدهم تا هجدهم بود که دوره فضای باز سیاسی از تبعید رضاشاه تا سال ۱۳۳۵ و کمترین آن بین سال های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ یعنی دوران حکومت استبدادی رضاشاه را شامل می گردید. به عبارت دیگر الگوی استناد به این عبارت در صورت جلسات مجلس شورای ملی به این صورت بود که در دوره های فضای باز سیاسی، تعداد استناد و افراد استناد کننده، بیشتر از دوره استبداد بود.

واژه های کلیدی: بسم الله الرحمن الرحيم، مجلس شورای ملی، مشروح مذاکرات مجلس، رضاشاه، محمدرضا شاه.

۱. دکترای تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

reza.muhammadi90@gmail.com

۲. دانشیار گروه ایرانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

A.ghofrani@basu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

The pattern of citing the phrase “Besmellah” in the 24th sessions of the National Assembly

Reza Mohammadi¹/ Ali Ghofrani²

Abstract

This research intends to use the combined research method to look at the pattern of “Besmellah” (in the name of Allah) as one of the Qur'anic phrases and to answer the question that basically “Is it possible to imagine a model for quoting this phrase in the minutes of the 24th sessions of the National Assembly (Parliament)?” In the first stage, a quantitative method was used, with the statistical method in the software environment SPSS25 and we analyzed quantitative data. Quantitative results show that: from the first to the sixth parliament, there were thirty-four cases (6.9 percent), from the seventh to the twelfth, eighteen cases (3.6 percent), from the thirteenth to the eighteenth, three hundred and twenty cases (8.8 percent) and the 19th to 24th Majlis in the number of 122 cases (24.7 percent), the Quranic phrase “Besmellah” is used. In the second step, we explained these data with a qualitative method and obtained the following results. The most citation of the “Besmellah” was in the 13th to 18th Majlis, which included the period of political openness from Reza Shah's exile to 1956 and the lowest between 1926 and 1941, i.e. the period of Reza Shah's autocratic rule. In other words, the pattern of citation of this phrase in the minutes of the National Assembly was such that during periods of political openness, the number of citations and people quoting was more than the period of dictatorship.

Keywords: Besmellah, National Assembly, Commentary on the deliberations of the Majlis, Reza Shah, Mohammad Reza Shah.

۱. PhD in Islamic Revolution History, Department of Islamic Studies, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. reza.muhammadi90@gmail.com

۲. Associate Professor, Department of Iranian Studies, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. (Author) A.ghofrani@basu.ac.ir

Received date: 1401/09/11 Accepted date: 1401/10/29 Article type: research

۱. مقدمه

استفاده از اسناد و مدارک به عنوان یکی از مهم ترین منابع در تحقیقات تاریخی، جایگاه ویژه ای دارد. از این رو مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، مجموعه ای غنی، ارزشمند، معتبر، موثق و مورد اعتماد از مباحث و گفتارهای روز جامعه بوده که به عنوان اسناد تاریخی قابل استفاده است؛ چون این مذاکرات با دست و به خط نویسنده، کاتب یا تندنویسی نوشته شده، جزء نسخ خطی یا دست نوشته شمرده می شود (سائلی کرده، ۱۳۹۰: ۱۲۵ و ۱۳۰ و ۱۳۱). گاه در این اسناد، عبارات، آیات و روایات و اشعار به کار رفته است. بررسی این اسناد ما را در فهم بهتر بافت تاریخی و فرهنگی مجلس و نمایندگان آن کمک می کند. قصد ما در ابتدا، بررسی کاربرد آیات قرآنی و روایات دینی در صورت جلسات مجلس شورای ملی بود. چون با حجم فراوانی از موارد مواجه گردیدیم، بنابراین سعی کردیم تا بر عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» تأکید شود که کاربرد فراوانی در ادبیات نوشتاری و گفتاری دارد. سؤالی که ما در این پژوهش در پی پاسخ گویی بدان هستیم، این است که آیا می توان الگویی برای عبارت بسم الله الرحمن الرحيم - به غیر از عبارت های مشابهی همچون بسم الله، بسمه تعالی، بسم الله تعالی - در صورت جلسات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی متصور شد؟

در خصوص پیشینه پژوهش بایستی خاطرنشان کرد که به رغم اهمیت موضوع، به نظر می رسد تاکنون پژوهشی مستقل در این خصوص صورت نگرفته است. همچنین باید گفت که این پژوهش، مشکلاتی را نیز داشت که یکی از آنها، دقت کم طراحان و نویسندگان مشروح مذاکرات، و ماشین نویس ها در تایپ صورت جلسات مجلس بود که جست و جوی مطالب را سخت می کرد. از سوی دیگر، در مشروح مذاکرات دوره شانزده با تعداد ۲۸ مورد از عبارت بسم الله الرحمن الرحيم مواجه شدیم که چند بار پشت سر هم تکرار شده بود.^۱ همچنین در دوره اول، جلسات ۱۳۳ و ۱۲۸ و دوره پنجم جلسه اول و دوره پانزدهم، جلسه ۴۴ و ۱۲۲، پیغام «صفحه مورد نظر یافت نشد» از سایت مجلس دریافت گردید.

۱. شوشتری - بسم الله الرحمن الرحيم و شوشتری - باز هم بسم الله الرحمن الرحيم باز هم بسم الله الرحمن الرحيم باز هم بسم الله الرحمن الرحيم (دوره ۱۶: جلسه ۱۳۶).

۲. چستی روش ترکیبی

رویکرد ترکیبی یا پژوهش‌های چندوجهی/چندروشی، کمی و کیفی، آمیخته، به هم تنیده، نوعی از پژوهش است که در آن محقق یا محققان با به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌های کمی و کیفی که اساس آنها پارادایم‌های گوناگون است، بررسی موقعیت نامعین را میسر می‌کنند و فرآیند آن را تسهیل می‌نمایند (بازرگان، ۱۳۹۵: ۱۵۶). به عبارت دیگر، این نوع تحقیق، که از نظر فلسفی مبتنی بر رویکرد پراگماتیسم است، با تأکید بر همگرایی پارادایمی، درصدد ترکیب هردو رهیافت کمی و کیفی، در یک مطالعه واحد به‌طور هم‌زمان، متوالی یا تغییرپذیر (محمدپور و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۷) و تحلیل داده‌ها به دو صورت عددی و کلامی و تأکید بر استدلال قیاسی و استقرایی است (حکیم‌زاده، عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۲۸). در این رویکرد که به سرعت در حال تسری است، سؤالی که در تحقیق پرسیده می‌شود، مهم‌تر از روش تحقیق است (حسنی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). از این رو به‌عنوان یک روش، بر جمع‌آوری، تحلیل و تلفیق داده‌های کمی و کیفی در یک مطالعه منفرد، یا برخی از مطالعات تمرکز می‌یابد (کرسول، کلارک، ۱۳۹۴: ۵-۶). در نهایت رویکرد ترکیبی به درک گسترده‌ای از مسائل پژوهشی منجر می‌گردد (کرسول، ۱۳۹۵: ۳۴۶).

با این اوصاف، در این نوشتار بر آن شدیم تا کاربرد و بررسی این نوع از روش در مطالعات تاریخی را با تأکید بر صورت‌جلسات مجلس شوری ملی مورد تحقیق قرار دهیم. از آنجا که هدف این پژوهش تبیین الگوی بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم در صورت‌جلسات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی است، ضرورت دارد ابتدا داده‌های کمی یا همان تعداد استناد و استفاده از این عبارت گردآوری و سپس با گردآوری داده‌های کیفی و افراد استنادکننده در جلسات مختلف، ابعاد مختلف آن را آشکار کنیم. بنابراین روش کار ما در گردآوری داده‌ها به این صورت است که ابتدا داده‌های کمی، سپس داده‌های کیفی را گردآوری می‌نماییم و در انتها به تحلیل داده‌های ترکیبی خواهیم پرداخت.

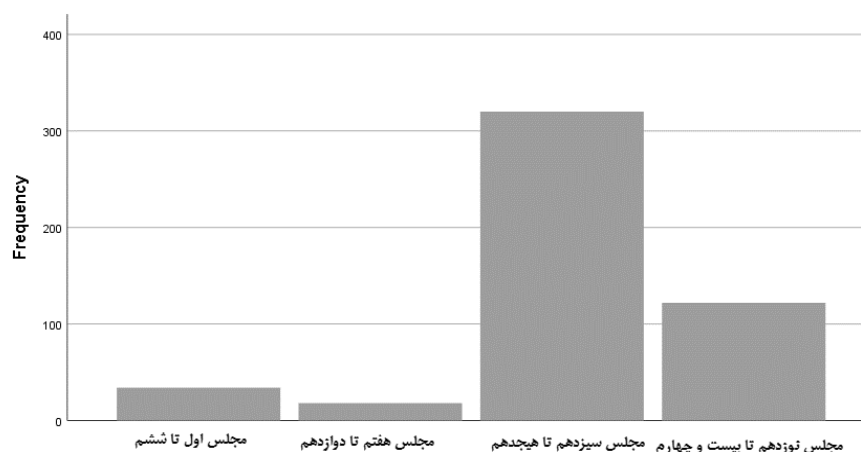
۳. تحلیل داده‌های کمی

پژوهش‌های کمی با تأکید بر پارادایم‌های اثبات‌گرایی و پسا اثبات‌گرایی تا قرن بیست و یکم به‌عنوان روش غالب در مطالعات رفتاری حاکم بود. این نوع پژوهش‌ها با مواردی از قبیل

گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه گزارش های عددی و آماری همراه هستند (حکیمزاده و عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۲۶)؛ بنابراین در این مرحله ابتدا با محیط نرم افزار SPSS به تحلیل داده های کمی می پردازیم.

جدول شماره ۱ - وضعیت توجه به واحد تحلیل در چهار بازه زمانی

بازه زمانی	فراوانی	درصد فراوانی
مجلس اول تا ششم	۳۴	۶/۹
مجلس هفتم تا دوازدهم	۱۸	۳/۶
مجلس سیزدهم تا هیجدهم	۳۲۰	۶۴/۸
مجلس نوزدهم تا بیست و چهارم	۱۲۲	۲۴/۷
کل	۴۹۴	۱۰۰



نمودار شماره ۱ - وضعیت توجه به واحد تحلیل در چهار بازه زمانی

سؤال اول: آیا وضعیت توجه به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم در چهار بازه زمانی مجلس شورای ملی متفاوت است؟

جدول شماره ۲ - آزمون خی دو تک نمونه وضعیت توجه به واحد تحلیل در چهار بازه زمانی

جنسیت	مشاهده	انتظار	باقیمانده	خی دو	درجات آزادی	Sig.
مجلس اول تا ششم	۳۴	۱۲۳/۵	-۸۹/۵			
مجلس هفتم تا دوازدهم	۱۸	۱۲۳/۵	-۱۰۵/۵			
مجلس سیزدهم تا هجدهم	۳۲۰	۱۲۳/۵	-۱۹۶/۵	۴۶۷/۶۵۲	۳	۰/۰۰۰
مجلس نوزدهم تا بیست و چهارم	۱۲۲	۱۲۳/۵	-۱/۵			
کل	۴۹۴					

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، می‌توان گفت، مقدار خی دو^۱ حاصل، برابر با ۴۶۷/۶۵۲ می‌باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۱ معنادار است، یعنی با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که وضعیت توجه به عبارت بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم در چهار بازه زمانی مجلس شورای ملی، دارای تفاوت معنادار با یکدیگر است. طوری که از مجلس اول تا ششم تعداد سی

۱. آزمون مجذور خی یا خی دو که با علامت χ^2 نشان داده می‌شود یک آزمون آماری ناپارامتری است که برای داده‌هایی کاربرد دارد که از نوع اسمی می‌باشد. به عبارت دیگر داده‌هایی که به صورت فراوانی در می‌آیند، می‌توان از آمار خی دو جهت تحلیل آن‌ها استفاده نمود. فرمول کلی خی دو به شکل زیر می‌باشد (اصغری جعفرآبادی و دیگران، ۱۳۹۲).

و چهار مورد (۶/۹ درصد)، مجالس هفتم تا دوازدهم، هجده مورد (۳/۶ درصد)، مجالس سیزدهم تا هجدهم، سیصد و بیست مورد (۶۴/۸ درصد) و مجالس نوزدهم تا بیست و چهارم به تعداد صد و بیست و دو مورد (۲۴/۷ درصد) دست یافتیم.

۴. تحلیل داده‌های کیفی

سؤال دوم: آیا نتایج حاصل از تحلیل کمی وضعیت توجه به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم در چهار بازه زمانی مجلس شورای ملی، قابلیت تبیین کیفی را دارد؟ یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقیق کیفی، به‌ویژه تحقیق موردی، روش‌های اسنادی است. روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیرمزامح و غیرواکنشی به شمار می‌آید؛ زیرا با مشکل جمع‌آوری اطلاعات مواجه نیستیم و اطلاعات از قبل، موجود هستند (حکیم‌زاده و عبدالملکی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). بنابراین به تحلیل و بررسی صورت جلسات مجلس و استنادکنندگان به این آیه از قرآن، طی بیست و چهار دوره‌ی مجلس شورای ملی با روش توصیفی-تحلیلی برای پاسخ‌گویی به سؤال فوق خواهیم پرداخت. نوسان استناد به عبارت قرآنی در ادوار مختلف مجلس بستگی به ترکیب نمایندگان و گفتمان حاکم بر مجلس داشت. در ادوار ابتدایی مجلس تا روی کار آمدن رضاخان، با طیف گسترده‌ای از استنادات روحانیون و روشنفکران و نامه‌های واصله از طرف شاه و علمای نجف به مجلس مواجه هستیم. به نظر می‌رسد اولین باری که بسم الله الرحمن الرحيم در مجلس گفته شد، در فرمان مشروطیت بود که توسط ملک‌المکلمین و از طرف ملت ایراد شد (دوره اول، صدور فرمان مشروطیت). در شش دوره اول مجلس می‌توان طیف وسیعی از استنادکنندگان به این عبارت از قرآن را دسته‌بندی کرد. شاید مهم‌ترین این گروه را بتوان روحانیون دانست. نامه‌های علمای نجف که با این آیه از قرآن شروع می‌شد و در مجلس قرائت می‌گردید، مثل نامه‌های مرحوم حاج میرزا خلیل تهرانی و محمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی (دوره ۱، جلسات: ۲۵۶، ۲۱۸، ۹۵ و ۳۱ و دوره دوم: جلسه ۲۲۹).

نمونه متن نامه قرائت‌شده از آخوند خراسانی در مجلس به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. کراراً از بلاد، از مجلس محترم شورای ملی از احقر کتباً و تلگرافاً سؤال شده، جواب کتباً و تلگرافاً حقیر داده که مجلس محترم ملی که فعلاً منعقد است در

طهران و سایر بلدان ایران چون بنای مجلس بحمدالله بر امر به معروف و جلوگیری از ظلم حکام و ردع از سایر منکرات است، موافقت آن لازم و مخالفت آن حرام است. حرره الاحقر الجافی محمد کاظم الخراسانی» (دوره ۱: جلسه ۲۱۸). نمونه‌های دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد: نامه میرزا محمدعلی، نوه حاجی کلباسی (جلسه ۹۱) و حاجی میرزا حسین که از نجف اشرف و حاجی سید نصرالله (جلسه ۱۶) و حاج سید عبدالحسین شهبهانی، نماینده روحانی مجلس شورای ملی در اولین دوره قانون‌گذاری از مشهد بود (نظری، ۱۳۹۰: ۴۹۰).

به جز طیف روحانیون که به آنها اشاره شد، می‌توان به بیانیه مظفرالدین شاه که در روز شنبه بیست و پنجم رجب ۱۳۲۴ در فرح‌آباد قرائت و با بسم‌الله شروع شد، اشاره کرد. بسم‌الله الرحمن الرحیم. جناب اشرف صدراعظم! این نظام‌نامه صحیح است (محل صحه مظفرالدین شاه) بیانات مظفرالدین شاه، روز شنبه بیست و پنجم رجب ۱۳۲۴ در فرح‌آباد. در این روز با حضور مشیرالدوله صدراعظم و جمعی از وجوه رجال، مظفرالدین شاه خطاب به حاضران اظهار داشت:

«تاریخ دنیا و تجربه ایام گذشته نشان می‌دهد که هیچ کاری صورت انجام نمی‌یابد، مگر به اتحاد و اتفاق نوع بشر با همدیگر، و این اتحاد و اتفاق نه فقط برای کارهای مهم و امور معظم لازم و واجب است؛ بلکه اگر درست تدقیق و تعمق شود، هویدا است که کارهای عادی روزانه هم محتاج به اتحاد و اتفاق است، تا آنکه به‌طور دلخواه صورت خارجی یابد. مثلاً همین عمارتی که مشاهده می‌نمایید اصلاً به دستکاری صد نفر از معمار و بنا و کارگر و غیره به این شکل و هیئت درآمده است و بدیهی است نظم و ترتیبی در میان این صد نفر بوده که هرکدام به موافقت همدیگر تکلیف خود را اجرا نموده‌اند و در ازای آن تکلیف حقی داشته تا آنکه کار آنها پیشرفت نموده است».

موارد دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد عبارت‌اند از: نامه‌ای که برای تبریک ورود موكب ولیعهد قرائت شد (دوره ۱: جلسه ۱۶). و در صورت قسم‌نامه خوانین لرستان (جلسه ۲۴۸) و حاجی امام‌جمعه (جلسه ۱۵۹) متن نطق مخبرالسلطنه و آقای میرزا ابوالحسن خان، هنگام نصب لوحه عدل مظفر، در سر در مجلس شورای ملی، بیانات مخبرالسلطنه (جلسه ۱۹) قسم‌نامه و کلاهی انجمن (جلسه ۲۰۳).

گروه دیگری که می‌توان از آنان نام برد، روشنفکرانی بودند که به نظر می‌رسد از سر عرف اجتماعی و در برخی از گفتارهای خود، از این عبارت استفاده می‌نمودند. مثلاً فیهیم‌الملک نماینده مردم قزوین در دوره دوم مجلس شورای ملی (نظری، ۱۳۹۰: ۶۳۸) چنین می‌گوید: «اما اینکه تفکیک کردید قانون وظایف را از قانون متوفیات، خیلی متأسفم که قانون وظایف را هیچ نخواندند به جهت اینکه در اولش ابتدا می‌نویسد: بسم الله الرحمن الرحيم وظیفه یک مرسوم است که به بازماندگان در باب حقوق دیوانی از هر قبیل داده می‌شود یعنی یک دسته که رئیس آنها فوت می‌کند، آنها بازماندگان او هستند. آن وقت یکی یکی می‌گوید ورثه که باشد و غیره» (دوره ۲: جلسه ۲۵۱). و یا می‌توان به تقی‌زاده اشاره کرد که می‌گوید: صحبت بنده در برگشتن به کمیسیون نیست تا نتوانم بگویم. عرض می‌کنم از روزی که بودجه‌ها آمد به مجلس، ما این‌طور قرار دادیم که بگوییم بسم الله الرحمن الرحيم اداره مرکزی فلان قدر. یک روز باید ما ملاحظه اصل مشروطیت و روح قانون اساسی نمایم» (دوره ۲، جلسه: ۷۰).

به نظر می‌رسد از مجلس سوم شورای ملی به بعد، جایگاه بسم الله الرحمن الرحيم کم‌رنگ شد. چرا که این دوره بیش از یک سال دوام نیاورد و وقایع جنگ جهانی اول و فشارهای دول متفق مزید بر علت شد (شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۰۴). در این دوره تنها افرادی خاص و سرشناس چون مدرس و رضا دامغانی (دوره ۵: جلسه ۷۶) از این عبارت استفاده می‌کردند که اولی از دوره دوم در مجلس حضور داشت و از طرف مراجع نجف و بر اساس فصل دوم متمم قانون اساسی، به‌عنوان یکی از بیست مجتهد طراز اول به مجلس معرفی شده بود (دوره ۵: جلسه ۳۰). مدرس از نمایندگان متنفذ مجلس و از منتقدان رضاخان و بعدها رضاشاه بود. اما وی نتوانست جلوی استبداد و به حاشیه رفتن نفوذ و اقتدار مجلس را در قانون‌گذاری سد کند. به قول کاتوزیان «مدرس دست به هر اقدام ممکن زد تا جلوی رضاخان را در قبضه کردن کامل قدرت بگیرد» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۳۱). وی در دوره پنجم مجلس در استیضاح سردار سپه گفت: «این کلمه را هم اجازه می‌خواهم عرض کنم فقط استیضاح من از حیث بودن سردار سپه است در رأس سیاست و آلاً از حیث وزارت جنگی ایشان اگر ترتیبی بشود که وزیر جنگ باشند، بنده هم طرفدار ایشان می‌باشم و همیشه هم طرفدار بوده‌ام و خواهم بود. استیضاح‌نامه به شرح ذیل قرائت شد: «بسم الله الرحمن الرحيم. مقام محترم ریاست مجلس

شورای ملی اینجانبان راجع به مواد ذیل از آقای رئیس‌الوزراء استیضاح می‌نماییم. ۱- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه ۲- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی. ۳- تحویل‌ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت. حایری‌زاده. عراقی. کازرونی. مدرس. اخگر. ملک‌الشعراء. سید حسن زعیم (دوره ۵: جلسه ۴۲).

با روی کار آمدن رضاخان به تدریج سلسله فعالیت‌های گسترده‌ای برای خارج کردن نمایندگان مخالف حکومت از میدان رقابت انتخابات آغاز شد. از مجلس ششم تا سیزدهم (دوره دوم) یعنی تا سال ۱۳۲۰، دوران شکل‌گیری خودکامگی تدریجی رضاشاه بود و فضای بله‌قربان‌گویی در پارلمان ایران حاکم شد و دیگر خبری از مباحث و استناد به بسم‌الله الرحمن الرحیم که در دوره پیش از استبداد در مجلس از سوی نمایندگان طیف‌های مختلف و بعضاً متعارض زده می‌شد، نبود. در نتیجه به لحاظ کمی، تعداد نقل این عبارت در مجلس کم و مجالس و نمایندگان آلت فعل رضاشاه شده بودند و اختیاری نداشتند. تا حدی که از هشت مجلسی که در دوره سلطنت او تشکیل شد، جز انتخابات دوره ششم، «انتخابات دوره‌های دیگر ساختگی و فرمایشی بود و فقط نمایندگان به مجلس راه یافتند که قبلاً درباره آنها تحقیقات کافی به عمل آمده و صلاحیت آنها، البته از نظر وفاداری و اطاعت از مقام سلطنت، به تأیید رضاشاه رسیده بود» (طلوعی، ۱۳۷۳: ۲۴۱). تنها در مجلس ششم بود که طیف‌های مختلفی از جمله روحانیون و روشنفکران با عبارت بسم‌الله الرحمن الرحیم سخنان خود را شروع کردند و یا حتی در ادبیات گفتاری خود به آن استناد نمودند (دوره ۴: جلسه ۱۱۲ و دوره ۵: جلسه ۸۶-۲۴۵ و دوره ۶: جلسه ۸-۲۴۹).

به عبارت دیگر، در این دوره، برای انتخابات لیست دولتی تعیین می‌شد و تا سال ۱۳۲۰ دوام داشت (عاملی، ۱۳۷۰: ۱۲۵). آبراهامیان می‌گوید که در شانزده سال سلطنت رضاشاه از مجلس ششم تا سیزدهم، شخص شاه نتایج انتخابات و بنابراین ترکیب هر مجلس را تعیین می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۷۱) و مجلس در این دوره نه یک نهاد مفید و مؤثر، بلکه نهادی بی‌خاصیت بود که به مکانی برای اعمال تشریفاتی تبدیل شده بود. رضاشاه برای تضمین قدرت مطلق خود روزنامه‌های مستقل را تعطیل و مصونیت پارلمانی نمایندگان را سلب کرد و حتی احزاب سیاسی را از بین برد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۷۲). در نهایت، مجلس از همان آغاز

به صورت ابزار تأیید دستورات و نیات شاه در آمد (فوران، ۱۳۹۲: ۳۳۶). به قول دولت آبادی، در حقیقت اکثریت مجلس تابع نظر تیمورتاش وزیر دربار پهلوی بود و مانند یک مؤسسه دولتی در تحت نظر وزیر دربار عمل می کرد و «وجود چند نفر از اشخاص دارای رأی و فکر مستقل در آنجا بی اثر می ماند. حتی یک انتقاد مختصر هم نمی توانند بکنند و جز سکوت کردن و نزد وجدان خود خجل بودن چاره ای ندارند» (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۴۰۳/۴-۴۰۴). به عبارت دیگر وظیفه مجلس به ظاهر رعایت کردن قوانین مشروطه بود و در باطن اجرای دستورات دربار و به عبارتی به شغل دولتی بیشتر شباهت داشت تا نمایندگی مجلس شورای ملی (همان: ۴۰۴/۴).

در مجلس هفتم فقط یک مورد از استناد به بسم الله الرحمن الرحيم مشاهده شد که آن هم در جلسه اول بود که توسط رئیس مجلس ادا شد و ادامه مطالب، تمجید از رضاشاه پهلوی بود: «رئیس (حاج سید محمود) - بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي منّ علينا بالهداية الى الاسلام و انفضنا من الغواية و الاوهام و جعلنا من امه نبيه فخر الانام والصلوة والسلام عليه و على خلفه و اولاده الى يوم القيامة متوفيق حضرت پروردگار جل شانہ و استمداد از ولی عصر عجل الله فرجه و اعلى حضرت قدر قدرت شاهنشاهی پهلوی شاهنشاه مملکت ایران ادام الله عز وجوده بمنه و جوده و کرمه، مجلس برای دوره هفتم افتتاح شد. آقایان که نمایندگان و برگزیدگان از ایالات و ولایات هستند، البته از برای اصلاح امورات مملکتی قبول این زحمت را فرموده اند و البته مواد قانون اساسی را در نظر دارند و برای اصلاحات امور مملکتی مساعی جمیله مبذول خواهند نمود. مطابق نظامنامه حالا باید شروع کنیم به انتخاب یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس به انتخاب فردی و سه نفر را هم معین کنند به قرعه برای استخراج آراء» (دوره ۷: جلسه اول).

از دوره دهم مجلس شورای ملی به بعد تنها مواردی که عبارت بسم الله الرحمن الرحيم در آن به کار رفت، در ترتیب قسم نامه های آنها بود که به ترتیب زیر قرائت می شد: «بسم الله الرحمن الرحيم. من که در ذیل امضا می نمایم، خداوند را به شهادت می طلبم و به قرآن مجید قسم یاد می کنم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است، تکالیفی را که به من رجوع شده است مهما امکن با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام داده و نسبت به اعلى حضرت شاهنشاه عادل متبوع مُفَخَّم خود صدیق و راستگو باشم و به اساس

سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران» (دوره ۸: جلسه ۴ و ۱۰ دوره ۹: ۴-۳۳ و دوره ۱۰: جلسه ۵-۶-۷ و دوره ۱۱: جلسه ۴-۵-۶ و دوره ۱۲: جلسه ۱۱-۱۰-۹-۸-۶-۵ و دوره ۱۳: جلسه ۷-۵ و دوره ۱۵: جلسه ۳۴).

پس از دوران استبداد رضاشاه و ایجاد فضای باز سیاسی یعنی از مجلس سیزدهم تا هیجدهم، دوباره طیف‌های مختلفی از نمایندگان به مجلس راه یافتند. از جمله آنان می‌توان به ابوالحسن حائری‌زاده (روحانی‌زاده) که در جلسه ۱۵۷ دوره پانزدهم، با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم سخن خود را آغاز نمود و در همان جلسه متن نامه‌ای از طرف آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی را قرائت کرد که با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم شروع شده بود. حائری‌زاده در حکومت افرادی چون قوام‌السلطنه، حکیم‌الملک و هژیر، در نقش یک اقلیت تندرو قرار گرفت و با چند تن دیگر از وکلا به استیضاح و ساقط کردن دولت‌ها پرداخت (نظری، ۱۳۹۰: ۳۰۶-۳۰۵). همچنین نامه‌های دیگری توسط آیت‌الله کاشانی و محمد موسوی بهبهانی و عبدالله بن مسیح تهرانی و آیت‌الله صدرالدین صدر و آیت‌الله بروجرودی در مجلس قرائت شد (مجلس ۱۵: جلسه ۷۲-۱۰۱ و دوره ۱۶: جلسه ۱۰۳-۱۱۷-۱۵۶-۳۷ و دوره ۱۷: جلسه ۶۰-۵۵-۲۸) که نشان از فعالیت دوباره روحانیون و نامه‌نگاری آنان به مجلس شورای ملی داشت. همچنین سخنرانی که توسط نخست‌وزیر قوام‌السلطنه و وزیر اقتصاد وی آقای دکتر شادمان قرائت شد که همراه با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بود (دوره ۱۵: جلسه ۷۸-۸۸).

مجلس شانزدهم، با ورود افراد بسم‌الله‌گویی چون محمدعلی شوشتری، فرزند آیت‌الله سید حسن شوشتری (دوره ۱۶: جلسه ۱۵۹)، که لقب «سید بسم‌الله» را در مجلس داشت (دوره ۲۱: جلسه ۳۵۹) استناد به عبارت «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» به بالاترین حد خود در بین ادوار مختلف مجلس رسید، تا جایی که مورد تمسخر نمایندگان دیگر قرار می‌گرفت. تمسخر وی در جلسات مختلف تکرار می‌شد (دوره ۱۶: جلسه ۸۵-۱۲۵-۱۸۴-۵۲-۱۹ و دوره ۱۷: جلسه ۲۰ دوره ۱۸: جلسه ۵۱ و دوره ۱۹: جلسه ۱۰۵) و شوشتری در توجیه استناد زیاد به بسم‌الله الرحمن الرحیم می‌گوید:

«بدواً عرض می‌کنم از آقایان مخبرین استدعا دارم مخبر هر روزنامه‌ای به آن روزنامه بگوید: نطق مرا کسی نباید بنویسد مگر با ذکر بسم‌الله. هیچ امری با نشان‌تر و زیباتر از امر

نمایندگی و اظهار نظر نسبت به امور مسلمین نیست. اگر بسم الله خطاب بشود، آنهایی که معاند هستند و مسخره می کنند، استهزا می کنند، باید بدانند من از استهزا و مسخره باکی ندارم. آنچه را که وظیفه من است، انجام خواهم داد و از میدان در نخواهم رفت. نهایت بعضی ها گاهی می گویند در دفعه دوم و سوم چرا بسم الله گفتی. ببخشید چون از طرف مادر گرگانیم، مازندرانیم، شمالی ها عادت دارند می روند بیرون و می آیند سلام می کنند. سلام همه وقت خوب است؛ اما مردمان دیگر می گویند سلام یک مرتبه بس است. بنده هر وقت که آمده ام پشت این تریبون، بسم الله گفته ام. لازم نیست هر دفعه بیایم مکرر کنم که مورد طنز و استهزا بعضی ها واقع شوم؛ مخصوصاً این نظر را داریم چون مرگ خوب است، ولی برای همسایه. دیکتاتوری بد است» (دوره ۱۶: جلسه ۱۵۴).

علاوه بر وی، می توان از افراد دیگری چون منوچهر تیمورتاش (فرزند عبدالحسین تیمورتاش) (جلسه: ۱۸۳) محمدرضا آشتیانی زاده (روحانی زاده) (جلسه: ۱۹۱) و عبدالصاحب صفایی حائری (روحانی زاده) نام برد؛ که این آخری در دوره شانزدهم از طرفداران پروپاقرص دولت رزم آرا بود و با مصدق و جبهه ملی مبارزه می کرد (نظری، ۱۳۹۰: ۵۲۸)، محمدعلی کشاورز صدر (کارمند زاده) که در مجلس شانزدهم عضو جبهه ملی و از طرفداران دکتر مصدق بود (همان: ۶۸۵)، همچنین ابوالحسن رضوی (روحانی زاده) (جلسه: ۱۱۳) و اللهیار صالح (کارمند زاده) (جلسه: ۲۵) و احمد صفایی روحانی که در مجلس هفدهم (جلسه: ۲۷-۲۸) بین اختلاف کاشانی و مصدق، جانب کاشانی را گرفت و جزو چند وکیل طرفدار کاشانی بود که استعفا نکرد (نظری، ۱۳۹۰: ۵۲۷)، مهندس حسینی در مجلس هفدهم در کلیه مذاکراتی که بین مصدق و هیئت های مختلف پیرامون نفت انجام می گرفت، دخالت کامل داشت و نظر نهایی از طرف او صادر می شد (همان: ۳۱۴) و دکتر شایگان که در دوره ۱۷، جلسه ۱۶ نطق خود را با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز نمود.

تشکیل فراکسیون آزادی به وسیله عبدالقدیر آزاد، حائری زاده، حسین مکی و آشتیانی زاده که براساس متن زیر قسم یاد نمودند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. امضا کنندگان ذیل به منظور حفظ دموکراسی و قانون اساسی و دفاع از مشروطیت متعهد می شویم که بالاتفاق با یکدیگر شرافتمندانه همکاری کرده و فراکسیونی به نام آزادی به همین منظور تشکیل دهیم. بدیهی است که در تمام موارد، اقلیت فراکسیون تابع

اکثریت خواهد بود مگر در مواردی که به موجب تصمیم قبلی، فراکسیون اعضای خود را آزاد گذاشته باشد تا کلیه کارهایی که در مجلس باید انجام گیرد، الزام است قبلاً به اطلاع فراکسیون برسد. به هر حال خداوند را شاهد و ناظر اعمال و رفتار خود قرار می‌دهم که همیشه نسبت به یکدیگر صداقت و امانت را مراعات و از هر نوع فداکاری نسبت به یکدیگر مضایقه نماییم. این تعهدنامه ان شاء الله تا آخر دوره پانزدهم برقرار خواهد بود ۳۱-۵-۲۷.

استفاده طیف گسترده‌ای از نمایندگان از عبارت بسم الله الرحمن الرحیم، نشان از فضای باز سیاسی پس از حکومت رضاشاه داشت.

انتخابات دوره هجدهم قانون‌گذاری در زمستان سال ۱۳۳۲ توسط دولت زاهدی آغاز شد. عامل مؤثر در تسریع انتخابات این دوره، مسئله نفت و تلاش دولت برای تصویب قرارداد کنسرسیوم بود. بدین جهت نمایندگان مجلس باید به گونه‌ای دست‌چین می‌شدند تا زمینه تصویب این قرارداد فراهم گردد (شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۳۱). بنابراین افرادی به مجلس راه می‌یافتند که تابع اوامر شاهنشاه باشند. حتی اگر در استناد به عبارت بسم الله الرحمن الرحیم نیز افراط ورزند. از جمله آنها می‌توان به آقای محمدعلی شوشتری اشاره کرد که در دوره هجدهم مجلس نیز گوی سبقت را در کاربرد بسم الله از همگان ربوده بود و در اکثر قریب به اتفاق جلسات، سخنانش را با بسم الله الرحمن الرحیم شروع می‌کرد (مجلس ۱۸: جلسات ۴ تا ۲۳۱). همچنین از دیگر نمایندگان که در این مجلس بسم الله به کار می‌بردند، می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد: نادعلی کریمی از مالکان کرمانشاه که در مجلس ۱۸ (جلسه ۱۲۵) از مخالفان جدی قرارداد کنسرسیوم و عضو جبهه ملی بود (نظری، ۱۳۹۰: ۶۸۳)، حیدرعلی برومند از ملاکین (جلسات: ۱۲۳-۱۰۳-۶۲-۹)، صادق نراقی تاجرزاده نماینده شهر همدان (جلسه: ۱۲۹) نورالدین امامی روحانی‌زاده (جلسه: ۱۰۶)، عبدالرحمن فرامرزی (جلسه: ۸۲) و محمدعلی مسعودی (جلسه: ۲) کارمندزاده و نماینده دماوند و قنات‌آبادی که روحانی بود (جلسه: ۵۵).^۱

شش دوره آخر مجلس شورای ملی، شباهت بسیاری به شش دوره دوم داشت. در هر دو مورد، یک شاه مستبد در رأس قدرت قرار داشت؛ رضاشاه در ادوار ششم تا سیزدهم و محمدرضا شاه در ادوار هیجدهم تا بیست و چهارم. مجلس تابع دربار، از ویژگی‌های این دو دسته به شمار می‌رفت. در این شش دوره اخیر از ادوار مجلس، دولت توانست از حضور نیروهای مخالف

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک (نظری، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۷۸-۶۰۴-۷۰۶-۸۵۳).

جلوگیری کند. انتخابات مجلس نوزدهم که از ۱۰ خرداد ۱۳۳۵ تا ۲۹ خرداد ۱۳۳۹ ادامه یافت، زیر نظر مستقیم علم برگزار شد. با حضور وی به عنوان وزیر کشور، امکان هرگونه انتخابات آزاد سلب شده بود. در این دوره، رژیم از حضور افراد میانه‌رو در انتخابات جلوگیری کرد. نکته مهم در این دوره از مجلس، گرایش برخی نمایندگان به دو حزب تازه تأسیس ملیون و مردم بود (شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۳۳). بنابراین، فضا برای ورود افراد مخالف کم بود و از افرادی که بسم الله گفتند، صرفاً می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. یکی وزیر فرهنگ در سخنرانی جلسه ۱۲۶ که در بین سخنرانی‌های خود از عبارت بسم الله الرحمن الرحيم استفاده کرد و دیگری قنات آبادی بود که در جلسه ۲۲ به این عبارت استناد نمود. مورد دیگر در مراسم تقدیم کتب نفیس به کتابخانه مجلس به وسیله تیمسار سرلشگر مجید فیروز بود که تابلو «بسم الله الرحمن الرحيم» را به خط سلطان بایستقر، که می‌بایست در اول غرفه اختصاصی نصب شود، به مجلس هدیه داد (دوره ۱۹: جلسه ۹۸).

در مجلس بیستم تنها دو مورد از استناد به عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» یافت شد که یکی از افتخار هشترودی روحانی زاده نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی (دوره ۲۰: جلسه ۶) و دیگری از ابوالقاسم تفضلی کارمندزاده نماینده کاشمر بود (دوره ۲۰: جلسه ۲). انتخابات مجلس بیست و یکم (۱۴ مهر ۱۳۴۲ تا ۱۳ مهر ۱۳۴۶) با اندک تفاوتی نسبت به دوره‌های قبل برگزار شد. از یک سو، برای اولین بار، زنان امکان حضور در مجلس را به دست آوردند (ناطقیان فر، امیری پری: ۱۳۸۹). از سوی دیگر بسیاری از افرادی که در این دوره به مجلس راه یافتند، از گروه‌های کشاورز، کارمند، ورزشکار و.. بودند که برای اولین بار وارد مجلس می‌شدند. بنابراین، تعداد زیادی از نمایندگان این دوره، به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم استناد می‌کردند و چندان اهل انتقاد از دولت و هیئت حاکمه نیز نبودند.

شوکت‌الملوک جهانبانی تنها نماینده زنی بود که در مجلس بسم الله الرحمن الرحيم گفت. بخشی از متن سخنرانی وی چنین است:

«با اجازه مقام معظم ریاست مجلس شورای ملی و نمایندگان محترم. اجازه می‌خواهم که فرا رسیدن روز مقدس مادر را به تمام مادران ایرانی تبریک بگویم..... پیغمبر اسلام به منظور بزرگداشت زن دست فاطمه (ع) را در مقابل مردم می‌بوسید و می‌فرمود: بهشت زیر پای مادران است. می‌گویند وقتی فاطمه علیها السلام به دنیا آمد، دشمنان گفتند محمد تو دیگر

جانشینی نخواهی داشت؛ زیرا پسری نداری. در این هنگام سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطیناک الکوثر فَصَلْ لِرَبِّک و انحر. اِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْاَبْتَرُ بر پیغمبر نازل گردید که باید گفت این اولین تبریک تولد آسمانی بود که از جانب خداوند بر رسول خدا نازل گردیده است و مقام و منزلت زن را می‌رساند و می‌فرماید: ما با تولد فاطمه بهشت را به تو ارزانی داشتیم» (دوره ۲۱: جلسه ۳۱۲).

کبیری نماینده مردم ایلام در دوره بیست و یکم بود (شجیعی، ۱۳۷۲: ۴۷۲) که همچون شوشتری به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم استناد فراوان داشته و در جلسات مختلف آن را به کار می‌برد (دوره ۲۱: جلسات ۳۶۴-۳۳۵-۲۹۸-۲۶۵-۲۵۱-۲۴۹-۲۲۴-۱۲۷-۱۰۲-۹۲-۹۰-۸۶-۶۴-۱۵). از نمایندگان دیگری که بسم الله الرحمن الرحيم می‌گفتند، می‌توان به: فولادوند از ملاکین و نماینده الیگودرز در دوره ۲۱ و ۲۲ (دوره ۲۱: جلسات ۳۵۹-۱۸۷-۶۲؛ دوره ۲۲: جلسات ۲۲۰-۱۵۳) و صدری کیوان فرزند ابراهیم شیخ و نوه شیخ جعفر شوشتری نماینده دشت میشان در دوره ۲۱-۲۳ (دوره ۲۱: جلسه ۳۴۳)، حسین معتمدی مالک و کارمند دولت و نماینده اصفهان (جلسه: ۳۳۷)، مهندس غلامرضا آصفی کارمندزاده نماینده تربت جام (جلسه ۳۳۷). محمود روحانی کارمند دولت و ملاک و نماینده حوزه فردوس و مهندس حسن صائی فرزند ابوتراب مدیرالتجار (تاجر) نماینده مردم ملایر (جلسات ۲۹۴-۲۵۸)، احمد حق شناس (زارع و کارگر) نماینده مردم تبریز (جلسه ۱۲۵)، صفر لقوطی (کشاورز) نماینده شهرستان شاهی (قائم‌شهر) (جلسه ۱۰۸)، صادق احمدی نماینده سنقر و کلیایی که از وکلای منفرد و از منتقدان حزب ایران نوین به شمار می‌رفت، ولی بعد به فراکسیون پارلمانی آن حزب پیوست (جلسه: ۹۶)، حسن تبریزی (کاسب و کشاورز) نماینده شهرستان میاندواب (جلسه: ۷۷-۶۴) ابوالفضل اقبالی نماینده مجلس از آستارا و کارمند دولت (جلسه: ۶۳) مهندس یحیی مجتهدی (مالک) نماینده شهرستان نیشابور (جلسه ۶۳) امام‌علی حبیبی (کشاورز) و کشتی‌گیر و قهرمان المپیک در ۱۹۵۹م و قهرمان جهان در مسابقات قهرمانی جهان در تهران و بازیگر سینما و نماینده شهرستان بابل (جلسه ۹) اشاره کرد.^۱

مجلس بیست و دوم (۱۴ مهر ۱۳۴۶ تا ۹ شهریور ۱۳۵۰) و بیست و سوم (۹ شهریور ۱۳۵۰ تا ۱۶ شهریور ۱۳۵۴) را دربار زیر نظر داشت. دولت حزبی هویدا نیز بیشترین تلاش را برای

۱. ر.ک (نظری، ۱۳۹۰: ۲۲-۴۸-۱۲۹-۲۴۳-۳۰۹-۳۱۵-۴۰۲-۵۰۳-۶۳۶-۷۰۰-۷۱۱-۷۲۵-۷۸۶).

وارد کردن نمایندگان دلخواه خود از حزب ایران نوین صورت داد. این حزب اکثریت وکلای مجلس را به خود اختصاص داد و حزب مردم به عنوان حزب مخالف در رده دوم قرار گرفت. همچنین در این دوره، تعداد وکلای مجلس از ۲۰۰ نفر به ۲۶۸ نفر افزایش یافت (ناطقیان فر، امیری پری: ۱۳۸۹). به رغم افزایش تعداد نمایندگان، فقط پنج مورد استناد به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم در این دو دوره یافت شد که دو مورد آن را در دوره بیست و یکم ذکر کردیم و مورد دیگر را دکتر محمد خزائی (نابینا) نماینده شهر اراک به کار برده بود. وی مردی محقق و دانشمند بود و کتاب‌هایی همچون: اسلام قرآن و شرح گلستان و بوستان و تاریخ فلسفه و غیره را تألیف کرده بود (دوره ۲۲: جلسه ۲۱۵). مورد دیگر محمد بدرخانی کارمند دولت نماینده کرج (دوره ۲۳: جلسه ۱۹۲) و دکتر ضیاءالحق ناوی پزشک و کارمند دولت در دوره ۲۳ نماینده شهرستان سبزوار و مخبر شعبه اول مجلس بود (دوره ۲۳، جلسه ۱۴۰).

مجلس بیست و چهارم (۱۷ شهریور ۱۳۵۴ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) آخرین مجلس دوره پهلوی به شمار می‌آید که بیش از سه سال دوام نیاورد. از استنادکنندگان به بسم الله الرحمن الرحيم بیشتر نمایندگان همسو با حکومت پهلوی بودند که از جمله آنان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: حسین علی سلیمانی نماینده مردم درود (جلسات ۲۰۶-۲۰۰-۱۷۵)، فتح الله سلیمانی سوادکوهی نماینده شهرستان شاهی (جلسه ۱۴۹)، حسن ملکشاهی کارمند دولت و نماینده مردم ایلام (جلسات ۲۰۶-۱۹۱-۱۳۴-۶۲)، جعفر قاسم‌زاده نماینده شهرستان رودسر (جلسات ۲۰۲-۱۷۵-۱۵۷-۱۴۴-۹۱-۷۳-۶۹-۳۳)، ابراهیم خلیل حیدرزاده امین، نماینده مردم بناب (جلسه ۲۰۲)، رستم رفعتی که کشاورز و معلم و سپس تاجر شد و نماینده شهرستان دهلران و مهران بود (جلسات ۱۹۹-۱۹۳-۱۸۲-۱۷۶-۱۶۵-۱۵۱-۱۱۷-۱۱۱-۷۹-۷۴-۶۷-۶۴-۵۰). دکتر جعفر عادل‌ی رانکوهی نماینده مردم اهر (جلسات ۱۹۵-۱۶۵-۷۰)، رضا حجتی نماینده شوش و اندیمشک (جلسات ۱۹۱-۱۴۵-۱۳۵-۱۳۰-۱۲۸-۱۰۰-۹۸-۹۰-۶۱-۴۷-۴۶-۸)، غلامحسین دانشی (روحانی) و نماینده آبادان (جلسات ۱۷۶-۱۶۸-۱۵۱-۱۱۱-۵۴-۴۷-۲۵-۸)، محمدعلی ادیب مجلسی نماینده تهران (جلسه ۱۷۱)، نوذر صادقی (فرزند آیت الله عبدالله صادقی) نماینده شهرستان نیر، جعفر حیدری نماینده از مهاباد (جلسه ۵۰)، امیر امان الله سترگ دره‌شوری (زمین‌دار) نماینده شهرستان سمیرم (جلسه ۳۶)، علی صائب (کارشناس کشاورزی) از دوره

بیست و یکم تا بیست و چهارم به‌طور متوالی نماینده مردم اصفهان در مجلس بود، مجتبی نوری نماینده شهرستان شازند (جلسه ۲۰)، دکتر ضیاءالدین شادمان (روحانی‌زاده) که در سال ۱۳۵۴ به معاونت پارلمانی نخست‌وزیری و به سمت وزیر مشاور مجلس شد (جلسه ۷).^۱

تنها در ماه‌های پایانی مجلس بود که کم‌کم نمایندگان شروع به انتقاد از دولت کردند. دکتر طهمورث فروزین نماینده شمیرانات در دوره‌های ۲۳ و ۲۴ مجلس شورای ملی و از نمایندگان فعال مجلس در ۲۴ دی ماه ۱۳۵۷ در نقد دولت‌های گذشته گفته بود:

«متأسفانه دولت‌های گذشته برای رونق مذهب و بزرگداشت آن هیچ قدمی برنداشتند، حتی اگر یک جمله بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم در ابتدای کتاب‌های درسی بود، آن را هم برداشتند و در کتاب‌های دبستان‌ها و دبیرستان‌ها کوچک‌ترین اشاره‌ای به آیات و قصص قرآن که سراسر پند و اندرز و راهنمایی است، نکردند. به رهبران مذهبی احترامی را که شایسته آنان است، نگذاشتند. آنها برای مبارزه با کمونیسم توپ و تفنگ خریدند، ولی نمی‌دانستند که هیچ‌چیز بهتر از مذهب نمی‌تواند تربت مقدس وطن را در برابر کمونیسم نگاهبان باشد و یک موعظه یک پیشوای مذهبی می‌تواند به‌جای هزاران تفنگ و مسلسل کمونیسم را مهار و کنترل کند» (جلسه ۲۰۶).

مهندس حسن هرزندی نماینده مرنده و از منتقدان دولت‌های ازهارای و بختیار و استیضاح‌کنندگان آنان بود (جلسات ۲۰۵-۲۰۱-۱۴۵-۵۲)، ایرج مهرزاد نماینده مردم شیراز در دوره‌های ۲۱ تا ۲۴ و از عمده مالکان آن شهر بود و از منتقدین دولت ازهارای «که با شعار «الهی به امید تو» و «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» برنامه خود را به مجلس اعلام کرد و چنین گفت: «شأن مسلسل و تانک و هلی‌کوپتر جنگی کشتن و سوختن و خراب کردن و از بین بردن است» (جلسه: ۱۹۹)، علی‌اصغر مظهری کارمند دولت و نماینده کرمان که منتقد دولت بود و نطق‌های زیادی در مخالفت با دولت‌های وقت ایراد نمود و از مخالفان لایحه حکومت‌نظامی بود و به دولت‌های ازهارای و شریف امامی و آموزگار رأی مخالف داد. او همچنین دولت آموزگار را استیضاح و در جلسه رأی اعتماد به شاهپور بختیار جلسه مجلس را ترک کرد و در اوایل بهمن از نمایندگی استعفا داد (جلسات ۱۹۶-۱۸۱)، عباس اخباری (کشاورز) نماینده

۱. ر.ک: (نظری، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۸-۷۹-۳۱۱-۳۲۶-۳۴۹-۳۹۸-۴۲۸-۴۴۹-۴۶۷-۵۰۲-۵۰۹-۵۶۴-۶۴۶-۷۸۱-۸۰۴-۸۲۹-۸۶۷-۹۰۲).

مردم کرج و از منتقدان دولت شریف امامی (جلسات ۸-۱۹۳)، محمدحسین اسحاقی نژاد نماینده تبریز و از منتقدان دولت ازهارى، شریف امامی و بختیار بود و به آنها رأی مخالف داد و به همراه سایر نمایندگان دولت ازهارى را استیضاح کرد (جلسه ۱۸۰). برخی وزرا از دیگر استنادکنندگان به «بسم الله الرحمن الرحيم» بودند که می توان به: وزیر کار و امور اجتماعی، تیمسار سپهبد باقر کاتوزیان (جلسه ۱۹۹)، نخست وزیر ارتشبد غلامرضا ازهارى (جلسات ۱۹۸-۱۹۵) و مهندس توکلی وزیر نیرو (جلسه ۱۴۶) اشاره کرد. همچنین می توان به مورد نامه آیات عظام محمد رضا موسوی گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری و شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی اشاره کرد که در مورخه ۱۷ دی ۵۷ نوشته و هفت روز پس از آن در مجلس قرائت شد و درباره حوادث خونین و فجیع در شهرهای مقدس مشهد، قم، کرمان، قزوین، کرمانشاه، اردبیل، نهاوند، آستانه اشرفیه، لاهیجان، آذرشهر، تبریز و بناب و .. بود (جلسه: ۲۰۵) و اعلامیه حضرت آیت الله سید کاظم شریعتمداری که در جلسه ۱۸۱ در محکومیت کشتار روز جمعه ۱۷ شهریور، قرائت شد.

۵. نتیجه گیری یا تحلیل داده های ترکیبی

نتایج حاصل از تبیین داده های کمی و کیفی که سؤال سوم در این پژوهش را در برمی گرفت، و آن سؤال این بود که: آیا نتایج حاصل از تحلیل کمی و تبیین کیفی همگرا هستند؟ نشان می دهد که داده های کمی و کیفی همگرا هستند. چنانچه در دوره فضای باز سیاسی که نمایندگان از آزادی برخوردار بودند، استفاده از عبارت بسم الله الرحمن الرحيم به مراتب از دوره فضای بسته بیشتر بود و کاربرد آن تنوع بیشتری داشت. بدان معنی که در دوره فضای باز سیاسی، اقشار و طبقات و نمایندگان مختلف با عقاید متفاوت، خصوصیات اخلاقی، پایگاه اجتماعی، اعتبار مردمی، در نطق ها و نامه های خود از بسم الله الرحمن الرحيم استفاده می کردند. استفاده از این عبارت در مجالس اول تا ششم (تعداد سی و چهار مورد یعنی ۶/۹ درصد) بیش از دوره بعد از آن یعنی دوره ی استبداد رضاشاه است که مجالس هفتم تا دوازدهم را شامل می گردد. این دوره کمترین دوره استفاده و استناد است (تعداد هجده مورد یعنی ۳/۶ درصد). دوره فضای باز سیاسی بعد از استبداد رضاشاه، بالاترین میزان استناد به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم بوده است؛ یعنی از مجالس سیزدهم تا هجدهم (تعداد سیصد و بیست مورد یعنی

۶۴/۸ درصد). در نهایت دوره استبداد محمدرضا شاه که به نسبت دوره قبل از خود کمتر شده و تأثیر استبداد را می‌توان در استفاده کمتر از این عبارت، نشان داد؛ یعنی از مجالس نوزدهم تا بیست و چهارم (تعداد صد و بیست و دو مورد (۲۴/۷ درصد)).

کتابنامه

الف) اسناد

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره‌های اول تا بیست و چهارم،
<http://ical.parliran.ir>

ب) کتاب

آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی، ۱۳۸۴.

بازرگان، عباس، مقدمه بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری، تهران: دیدار، ۱۳۹۵

حکیم‌زاده، فرزاد، جمال عبدالملکی، پروپوزال نویسی در مطالعات کیفی و ترکیبی، تهران: جامعه شناسان، ۱۳۹۰.

دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران: عطار، ۱۳۷۱.

شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: سخن، ۱۳۷۲. طلوعی، محمود، پدر و پسر، تهران: علم، ۱۳۷۳.

عاملی، باقر، خاطرات یک نخست‌وزیر؛ دکتر احمد متین‌دفتری، تهران: علمی، ۱۳۷۰.

فوران، جان، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۲.

کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، ۱۳۹۵.

کرسول، جان دبلیو، طرح پژوهش رویکردهای کمی، کیفی، ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای توس، تهران: جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، ۱۳۹۵.

الگوی استناد به عبارت بسم الله الرحمن الرحيم در صورت جلسات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی ۳۱۳

کرسول، جان و ویکی پلانو کلارک، **روش های پژوهش ترکیبی**، ترجمه علیرضا کیامنش جاوید سرایی، تهران: آبیژ، ۱۳۹۴.

نظری، منوچهر، **رجال پارلمانی ایران از مشروطه تا انقلاب**، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۰.

ج) مقاله

اصغری جعفرآبادی، محمد و اکبر سلطانی، سیده مومنه محمدی، «سری آمار: تحلیل جداول توافقی ۱ (آزمون کادو)»، **مجله دیابت و متابولیسم ایران**، س ۱۳، آذر-دی ۱۳۹۲، صص ۱۰۱-۸۳.

حسینی، محمدحسین، «درآمدی به روش شناسی تلفیقی در پژوهش های میان رشته ای علوم اجتماعی»، **فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی**، س ۲، ش ۴، پاییز ۱۳۸۸ صص ۱۵۳-۱۳۷.

سائلی کردده، مجید، «مقدمه ای بر جایگاه مذاکرات مجلس در تاریخ پژوهی معاصر»، **پیام بهارستان**، ویژه تاریخ مجلس ۲، تابستان ۱۳۹۰.

محمدپور، احمد، رسول صادقی و مهدی رضایی، «روش های تحقیق ترکیبی به عنوان سومین جنبش روش شناختی: مبانی نظری و اصول عملی»، **نشریه جامعه شناسی کاربردی**، س ۲۱، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۹، صص ۷۷-۱۰۰.

ناطقیانفر، سارا و فاطمه امیری پری، «مجالس عصر پهلوی»، **یاد ایام**، ش ۵۷، خرداد ۱۳۸۹.

